

اگر نفسی موفق بر آن گردد که خدمت نمایان به عالم انسانی علی الخصوص به ایران نماید سرور سروران
است و عزیزترین بزرگان
امر و خلق ج ۳ ص ۲۸۹

عنوان: بهائیان و کشور مقدس ایران

قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- آیاتی از کتاب اقدس
- ۳- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
- ۴- نصوص حضرت عبدالبهاء
- ۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

- ۶- دیگر جز به مدد غیبی و قوه الهی امیدی نمانده
- ۷- ازبیانات حضرت ولی عزیز امرالله
- ۸- پیام نوروز ۱۳۹۳
- ۹- یک نوزایی فرهنگی فراگیر
- ۱۰- عواطف حضرت عبدالبهاء نسبت به ایران
- ۱۱- شور و مشورت "برای ترقی و سرافرازی ایران عزیز هر یک از مامی توانیم چه اقداماتی انجام
دهیم؟"

قسمت اجتماعی

- ۱۲- برنامه نونهالان
- ۱۳- تنفی و پذیرائی
- ۱۴- مناجات خاتمه از آثار حضرت ولی عزیز امرالله

هوالله ای پروردگار آمرزگار نیکوکار ستایش و نیایش تو را سزاوار که این کشور خاموش را پر آتش نمودی و این افسردگان بیهوش را به جوش و خروش آوردی ناامیدان را نوید امید دادی و مستمندان را به گنج روان راه نمودی. بی نوایان را پر نوا نمودی و بیچارگان را سر و سامان بخشیدی. ای پروردگار آنچه در نامه های آسمانی نوید فرمودی آشکار کن و آنچه به زبان پیغمبران گفتی نمودار فرما. نیروی یزدانیت بنما و بخشش آسمانیت آشکار کن. این کشور را بهشت برین ساز و این خاور و باختر را پرتو بخش روی زمین. این پارسیان را آسمانیان کن و این بی نام و بی نشان ها را چون اختران پرتو افشان. توئی توانا توئی بینا توئی شنوا توئی پشתיبان. ع ع

یاران پارسی ص ۷۰

آیاتی از کتاب مستطاب اقدس

يا ارضِ الطَّاءِ لا تَحْزَنِي مِنْ شَيْءٍ قَدْ جَعَلَكَ اللهُ مَطْلَعَ فَرَحِ الْعَالَمِينَ... افرحی بما جعلک الله افق النور بما ولد
فیک مطلع الظهور... اطمئنی بفضل ربک انه لا تنقطع عنک لحظات اللطاف سوف يأخذک الاطمینان بعد
الاضطراب كذلك قضی الامر فی کتاب بدیع.

ای ارض طاء(طهران)از هیچ امری محزون مباش زیرا خداوند تو را مطلع فرح عالمیان قرار داده است...شاد باش زیرا خداوند تو را افق نور قرار داد به این خاطر که مطلع ظهور در تو متولد شد ...به فضل پروردگارت مطمئن باش همانا او نظر الطاف را از تو قطع نخواهد کرد به زودی بعد از اضطراب ، اطمینان تو را فرا خواهد گرفت اینچنین امر در کتاب بدیع مقدر شد

لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

هوالله ای سرگشته و سودائی؛ شیدای دلبر آفاق و پروانه نیر آفاق گرد تا نَفَسَت چون روح حیات مردگان آن صفحات را زنده نماید و چون نسیم بهار روحانی حتی گیاه پژمرده را تر و تازه کند و از محبت دلبر الهی چون ابر بگری و مانند برق بخندی؛ و چون رعد بخروش و دریاآسا بجوش و به جان و دل بکوش تا ایران ویران به نفحه رحمن به حرکت آید و از حضيض سقوط به اوج صعود رسد. اگر چه در این سنین اخیره در ایران جنبش و کوشش احزاب بود و کل مدعی خیرخواهی ایران تا مملکت بیاریند رعایای بیچاره بیسایند کشور معمور گردد و درفش کاویان منصور گردد، ولی هیچ حزبی موفق نشد. اقلیم معمور، مطمور شد؛ ایران، ویران گشت و ثابت و محقق گردید که ایران جز به نفحه رحمن به اوج عزت ابدیه نرسد. لهذا این آوارگان از هر خصوص قصور ننمودند؛ به آنچه باید و شاید پرداختند. عنقریب این بیت تحقق یابد:

دست پنهان و قلم بین خط گذار گرد پیدا بین و ناپیدا سوار

باری باید خیرخواهان ایران به وسائلی تشبث نمایند که نتیجه محتومه است و به حصول مقرون والا از قضایای ناقصه، نتایج کامله ممتنع و محال. و علیک البهء الابهی عبدالبهاء عباس

مآخذ اشعار بهائی ج ۳ ص ۲۳۶

۸- پیام نوروز ۱۳۹۳

یاران و یاوران باوفای جمال اقدس ابهی در سرزمین مقدس ایران ملاحظه فرمایند

تحیات خالصانه و تبریکات صمیمانه خود را به مناسبت فرا رسیدن نوروز فیروز و آغاز بهار دل افروز به یکایک شما خواهران و برادران عزیز روحانی و به کلیه مردم شریف ایران تقدیم می داریم. اخبار خوش استقبال پرشور جوانان برومند آن سرزمین از پیام مورخ ۹ بهمن ۱۳۹۲ این جمع و پویایی جامعه اسم اعظم در مهد امرالله موجب نهایت سرور و حبور این مشتاقان گردید. در آستانه سال نو دست شکرانه به درگاه خداوند بی مانند بلند می نمائیم که الحمدلله شما دل دادگان روی جانان علی رغم ظلم و ستم فراوان و محدودیت های بی پایان در مسیری گام بر می دارید که آرزوی حضرت عبدالبهاء برای احبای عزیز ایران بود: "... جمیع شب و روز به آنچه سبب عزت ابدیه ایرانست پردازند و در تحسین اخلاق و آداب و بذل همت

و مقاصد ارجمند و الفت و محبت و ترقی و اتساع صناعت و زراعت و تجارت سعی بلیغ و جهد عظیم مبذول دارند." در اعتبار مقدسه علیا موفقیت بیش از پیش شما عزیزان را در میدان خدمت مسئلت می نمائیم.
بیت العدل اعظم

نصوص حضرت عبدالبهاء

"حضرت بهاءالله و حضرت باب هر دو ایرانی بودند و بیست هزار ایرانی در این سبیل جانفشانی نمودند و من نیز ایرانی هستم حتی با وجود این که شصت سال است از ایران خارج شده ام هنوز راضی به آن نگشته ام که عادات جزئیة ایرانی ترک شود. بهائیان ایران را می پرستند ... امثال شما که فی الحقیقه خیرخواه دولت و ملتند و در نیکنامی ایران می کوشند و اهل دانشند چنین نفوسی را من از خویش و پیوند خویش می شمارم... به راستی می گویم که من مشتاق دیدار تو هستم زیرا تو خدمت به ایران و ایرانیان می نمائی و من از جمله ایرانیانم."

مائده آسمانی ج ۵ ص ۴۴

"ای یاران روحانی امروز جمیع اهالی ایران باید در کمال همّت و غیرت در خیر دولت و مملکت کوشند و به کمال راستی و درستی و خیرخواهی در آنچه سبب آبادی و راحت و ثروت و بزرگواری دولت و کشور است پردازند."

منتخبات مکاتیب ج ۵ شماره ۱۰۷

باید یاران فارسی بدرستی و راستی چنان در میان خلق بخدمت حقّ برخیزند که از جام لبریز محبتّ الله جمیع خلق نشئه انگیز گردند و به رائقه معطره معرفت الله آن آفاق را مشکبیز نمایند اساس پند آسمانی بنهند و تعالیم یزدانی بدهند و به روش و سلوک رحمانی قیام کنند و در کمال شور و وله و شوق و شغف و وجد و طرب شب و روز نعره یا بشری و یا طوبی بلند کنند که الحمد لله افق ایران مطلع شمس حقیقت شد و کشور فارسیان روشن گردید.

منتخبات ج ۳ شماره ۲۶۴

لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

هو الله ای تشنه حقیقت ایران ویران است و جمیع احزاب فی الحقیقه تیشه به دست گرفته به ریشه این بنیان قدیم می زنند و ابدأ ملتفت نیستند که این کلنگ بنیان کن است و این تیشه، ریشه کن هر حزبی گمان می کند که به تعمیر مشغولست ولی در قرآن می فرماید "یخربون بیوتهم بایدبهم" باری این آوارگان به هیچ حزبی مشترک و متمایل نبوده در آن می کوشیم که بنیه ایران قوت گیرد و معلوم است قوت بنیه ایران جز به تأسیس اخلاق الهی ممکن نه چون تعدیل و تأسیس اخلاق گردد ترقی در جمیع مراتب محتوم است هیچ ملتی بدون تعدیل اخلاق فلاح و نجاح نیابد و به تحسین اخلاق علوم و فنون رواج یابد و افکار بینهایت روشن گردد صداقت و امانت و حماسه و غیرت و حمیت بجوشد سیاست به درجه نهایت رسد صنایع بدیعه، رواج یابد تجارت، اتساع جوید شجاعت، علم افرازد ملت از برزخی به برزخ دیگر انتقال نماید خلق جدید شود فتبارک الله احسن الخالقین تحقق یابد... حال که نیر اعظم از مطلع ایران اشراق کرده ملاحظه نمائید که در آینده چه خواهد شد امیدم چنانست که در تأسیس این بنیان عظیم شما نیز از کارکنان باشید و علیکما البهء الابهی ع

پیام آسمانی ج ۱ ص ۸۳

دیگر جز به مدد غیبی و قوه الهی امیدی نمانده

در قرآن حکایتی بیان می فرماید که جسد متلاشی شده ئی را دید که به کلی پاشیده شده و استخوانها از هم منفصل گشته گفت چگونه می شود که دیگر این جسم متلاشی شده جان یابد؛ ناگاه بغتاً دید استخوانها به هم پیوند شد گوشت و پوست گرفت و جان و توانی تمام یافت آنگاه به قدرت الهیه پی برد و دید و دانست "کیف یحیی العظام و هی رمیم". مقصد جسد متلاشی شده ئی مثل ایرانست که اگر مدد غیبی و قوه الهی یابد تأیید و عون ملکوتی جوید احزاب متفرقه متنوعه و نفوس مختلفه متضاده به قوه معنویه جمع کردند و بر آنچه سبب حیات و عزت ابدیه است متحد و متفق گردند حال ما باید در ترقی زراعی و صناعی و تجاری ایران بکوشیم و لو استقلال رفته باشد ایران نمیروود و چون به تحسین اخلاق ملت پردازیم هر قسمی ترقی در آن هست اگر بهائیان به آنچه مأمورند قیام نمایند مدتی نمی گذرد که منتها آمال جلوه نماید و مملکت ایران غبطه جنان و روضه رضوان شود.

بدایع الآثار ج ۲ ص ۱۰۵

از بیانات حضرت ولی عزیز امرالله

هر چند این عبد آستان در این جوار مستجیر و از آن اماکن منوره دور و مهجور ولی چه بسا اوقات که قلب و روان به یاد دوستان آن قطعه نورا مهتز و به ذکر و فکر محبوبان آن سامان مألوف و مشعوفم. نهایت آمال و آرزوی دل و جانم زیارت آن مهبط انوار است و طواف مسقط رأس مبارک جمال اقدس ابهی... آن یاران که به چنین نعمتی فائز و در همچو مقاماتی ساکن و مقیمند باید هر دم در آن موطن مبارک جمال قدم از آن سرچشمه فیوضات استفاضه نمایند و پرتوی از این موهبت کبری بر ایران و ایرانیان افکنند در حب و وداد و روحانیت و اشتعال فی الحقیقه سرور جهانیان گردند و در تقدیس و تنزیه و تجرد از متاع و شئون دنیا سرمشق عالیمان شوند... و به خدمات و اقداماتی در سبیل تحسین احوال و ترقی و پیشرفت وطن خویش و عالم انسانی قیام نمایند که افکار کل متوجه به آن نقطه مبارکه گردد و اشعه هدایت بر آن اقلیم بلکه تمام اقلیم عالم منتشر شود. همچو یوم مبارکی محتوم الوقوع است و بشارات منزله در حق آن خطه مطهره، حکم بدا از آن مرفوع. پس جهد نمائیم و به تضرع و ابتهال از جمال قدم و اسم اعظم مسئلت نمائیم که ما را به نفثات روح القدس روحی جدید بخشد و در آن انحاء و اکناف مبعوث نماید... عنایات خاصه خفیه جمال قدم و حضرت عبدالبهاء روحی لرمسهما الاطهر الفدا شامل آن یاران بوده و حال بیش از پیش ید عنایتش معین و هادی آن نفوس مقربه درگاه الهی. پس باید به شکرانه این الطاف در نهایت توکل و اعتماد مجدداً بر هدایت نفوس از تمام طبقات چه اعلی و چه ادنی قیام کنیم و مترصد تأییدات متواصله اش گردیم.

مائده آسمانی ج ۳ ص ۳۷-۳۵

یک نوزایی فرهنگی فراگیر

والاترین و مهمترین آماج نوزائی فرهنگی بهبود هستی اجتماعی و فردی انسان است... اینک از دید بهایی به فرد انسان نظر می شود که از سویی بدون دگرگونی او هیچگونه پیشرفت اجتماعی به نیکی سامان نمی یابد و از سوی دیگر همه کوششها در نهایت باید بدین هدف صورت گیرد که از زندگی شایسته تری برخوردار گردد. از سالم سازی زندگی اقتصادی و روابط سیاسی تا مبارزه با مصرف مواد مخدر و مراسم خرافی؛ همه تدابیر برای بهبود جامعه تنها زمانی به ثمر می رسند که در جهت خواست و اراده افراد باشند. بهبود زندگی اقتصادی تنها در صورتی به راستی ممکن می گردد که افراد نفع عمومی را از سود شخصی برتر شمرند و نظام سیاسی هنگامی خدمتگذار جامعه می شود که از مردان و زنانی امین و نیکوکار تشکیل شده باشد. وگرنه به هر میزان هم نظامهای نظارتی ایجاد شود باز نادرستان هوشیار راه گریزی می یابند. بدین سبب گام اساسی برای نیکو سازی جامعه پرورش انسانهای نیک است. شایسته مقام انسانی از دید بهایی کسی است که هر چند به زندگی مادی اهمیت می دهد و کار جهان را واقعی و جدی می گیرد گوهر درونی را برتر از هستی مادی ارج می نهد... انسان موجودی اجتماعی است و تنها در درون روابط انسانی و عاطفی انسان بودنش را تجربه می کند و به آزادی حقیقی می رسد. از این رو گوهر برترینش تنها در مهرورزی و نیک خواهی و خدمت به دیگران متبلور می شود. آزادی انسان در اجتماع امری تاریخی است و او در سیر تکاملی خود به سهم بیشتری از آن دست می یابد. آزادی فرد در زندگی با آن که قدرت انتخاب است اگر با انضباط اخلاقی همراه نباشد به زودی دیگر انتخابی امکان پذیر نخواهد بود. انسان شایسته نه انزواطلب است و نه کاهلی را بر میتابد. هدف زندگی این جهان را در آن می یابد که ویژگی های خدادادی را در هستی درونی و بیرونی متبلور سازد. نه تنها به کمال جویی در ویژگی های معنوی و اخلاقی کشش دارد بلکه در زندگی روزمره نیز می کوشد هر کار و آفرینشی را به حد کمال برساند. به خرد ورزی و دانش پژوهی و نیک رفتاری از آنچه حیوانی است ممتاز گردد و به کوشش، زندگی مادی را چنان بیاراید که بتواند در آن به سرافرازی انسانی دست یابد. چنین تصویری از انسان را چون نیک بنگریم به زوایای بسیاری در پهنه اندیشه و ادب ایرانی بازتاب یافته می یابیم. همانست که حافظ می جویدش لیک آن نیست که یافت می نشود. در هر انسانی به ویژه در هر ایرانی که در فرهنگ بالیده در این سرزمین پرورش یافته می تواند نمودی درخشان یابد. چنین نگرشی علت وافی برای آنست که بهائیان نه تنها آینده ای درخشان برای ایران آرزو دارند که ایمان دارند ایرانیان در صورت یک نوزایی فرهنگی فراگیر گوی سبقت را به پیشرفت مادی و معنوی خواهند ربود و میهن مان رشک جهانیان خواهد گشت.

عواطف حضرت عبدالبهاء نسبت به ایران

حضرت عبدالبهاء هر گاه که میسر بود بهایان غربی را به ایران می فرستاد. در سال ۱۸۷۵ رساله ای با عنوان رساله مدنیّه از قلم ایشان نگاشته شد که به طور وسیعی در ایران منتشر گردید. این رساله در واقع تقاضایی بود از سرزمین شیر و خورشید تا خود را از بیگانه ستیزی رها کند و گونه ای از تعلیم و تربیت، فن آوری و بهداشت را رواج دهد که به توسعه منابع و توزیع منصفانه ثروت بیانجامد. ایشان همچنین از ایرانیان دعوت فرمود به افقی فراتر از فقط رشد و توسعه خود بنگرند و به واسطه دفاع از صلح و آشتی در جامعه جهانی مقام و موقفی برای خود کسب کنند. عواطف آن حضرت نسبت به ایران بسی ژرف بود: چند سال پس از ملاقات سوزان مودی با ایشان، آن حضرت در امریکا در خانه کوهستان ماهانک از توابع نیویورک به منظور ایجاد صلح و آشتی در کنفرانسی راجع به داوری سخنرانی فرمود. با وجودی که حضرتش در سن نه سالگی از ایران تبعید شده بود و به دلیل مخالفت‌های ایرانیان با دیانت جدید رنج بسیار تحمل فرموده بود؛ هنگام امضای دفتر مهمانان در ماهانک، نشانی خویش را به نام ایران نگاشت.

عشقی که درنگ را نشاید ص ۱۸۵

مناجات خاتمه از آثار حضرت ولی عزیز امرالله

" ای قویّ قدیر، دست تضرّع ببارگاه قدست مرتفع امنای امرت را مأیوس مفرما و السن کائنات بذکر بدایع قدرتت ناطق وراثت امرت را بیش از پیش مدد بخش. جمعی از ظهور خفیّات امرت و بروز لطائف حکمتت واله و حیرانند مصداق وعود منصوصهء کتاب اقدست را بر عالمیان ظاهر و آشکار کن. ملائکهء تأیید پی در پی بفرست و آن موطن اعلی را جنت ابهی نما. صوت رجال امرت را گوشزد اقالیم بعیده نما و مدینهء منورهء طهران را مطلع سرور عالمیان و مطمح نظر جهانیان کن "

پیام ملکوت ص ۱۲۰-۱۱۹